

پرسشها و پاسخها

پرسش:

در آیات قرآن به کرات، عبارت « **لعلهم یعقلون** » و یا « **لعلکم تعقلون** » آمده است. این نشان می دهد که اسلام، انسان را به اندیشیدن و عقل فراخوانده است.

پاسخ:

باید بررسی کنیم که « عقل » چگونه در آیات قرآن تعریف شده است، برای مثال، در سوره الحج، آیه ۴۶ اشاره بر « **قلوب یعقلون** » دارد.

اقلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او آذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا قلب هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند، یا گوشهای شوایی که با آن ندای حق را بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی شود، بلکه قلب هایی که در سینه هاست کور می شود.

بزعم آیه قرآن، واژه « **یعقلون** » که از عقل مشتق می شود مترادف با واژه « **قلوب** » (جمع قلب ها) آمده است. با چنین استنادی « **عقل** » به معنی « **عقل مغزی** » نیست، بلکه به معنی درک و شناختی است که از « **قلب** » سرچشمه می گیرد. در علم قدیم، جایگاه عقل را در قلب می دانستند، و چنانکه امروز میدانیم جایگاه عقل در مغز قرار دارد

بنابراین، تلفیق عقل و قلب با یکدیگر بهیچ وجه با علم امروز بشر جور در نمی آید... در تمام ترجمه های فارسی قرآن « **یعقلون** » به معنی « **درک کردن** » و « **قلوب یعقلون** » به معنی « **درک کردن توسط قلب** » آمده است و این درک کردن رابطه ای با مغز انسان ندارد، بلکه منظور همان « **درک قلبی** » است.

در علم قدیم تصور بر آن بود که قلب نیز بعنوان بخشی از ادراک انسان بشمار می آید. چنانچه عبارت « **قلوب یعقلون** » حاکی بر درک قلبی است. علم جدید ثابت کرد که قلب در ادراک سهمی ندارد. قلب فقط بعنوان ماهیچه ای تلمبه مانند، خون را در بدن به جریان می اندازد، و تنها عضوی که ادراک انسان سهیم است مغز است.

پرسش:

نزول قرآن در ۱۴۰۰ پیش و در عصر جاهلیت اشاره به حقایقی چون گردش سیارات و حرکت کهکشانها، اختلاف شب و روز، و وجود موجودات نره بینی دارد که دلیلی بر پیشگویی و معجزه قرآن است؟

پاسخ:

تقریباً ۱۰۰۰ سال قبل از ظهور اسلام، (در سالهای ۴۶۰ - ۳۷۰ ق.م) **دموکریت Democritus**، دانشمند یونانی اینگونه شرح میدهد که اگر جسمی را به دو قسمت کرده و بعد هر قسمت را به دو نیم کنیم و این کار را ادامه دهیم به وضعیتی میرسیم که جسم قابل تقسیم نیست، او آنرا اتم می نامد و اضافه میکند: « اتمهای اجسام گوناگون در اندازه، شکل و کیفیت متفاوت هستند، این اجسام با تغییر کمی ترکیب اتمیشان قابل تبدیل به یکدیگرند. »

یک هزار سال قبل از ظهور اسلام، اتمیستهای یونان، **لیوسپ** و شاگردش **دموکریت**، جهان را از اجسام بسیار کوچک، غیر قابل رویت و در حال حرکت می دانستند.

هراکلیت Heraclitus، دانشمند یونانی (در سالهای ۴۷۵ - ۵۳۵ ق.م) جهان را در حال حرکت و در حال تغییر مدام می دانست و بر آن بود که دلیل آن تضاد است.

آنکساگوراس Anaxagoras (در سالهای ۵۰۰ - ۴۲۸ ق.م) معتقد بود که خورشید توده ایست از فلز سرخ گداخته و ماه نیز شبیه زمین است. او رعد و برق را از برخورد ابرها می دانست و برآن بود که اجرام فلکی از سنگ تشکیل شده اند و سرعت گردش آنها باعث استواری شان شده است و اگر این سرعت متوقف شود اجرام آسمانی فرو خواهند افتاد.

آناکسیمندر Anaximander (در سالهای ۵۴۷ - ۶۱۰ ق.م) اولین دانشمند یونانی است که برای جهان محدودیتی قائل نیست و زمین را بدون هیچ حمایتی در مرکز جهان شناور می داند. از نظر او آغاز تکامل از دریاها بوده است. او همچنین معتقد است که عناصر قابل تبدیل به یکدیگر هستند.

۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، **تالس Thales** جهان را از سه عنصر آب (عنصر اصلی)، خاک و آتش می دانست. تالس به مصر و بین النهرین مسافرت کرده بود و همانند بابلی ها، زمین را استوانه ای شکل می پنداشت.

امپیدوکلس Empedocles (در سالهای ۴۳۵ - ۴۹۵ ق.م) بنیانگذار مدارس طبابت و خطابت بود. او زمین را ترکیبی از آب و آتش و هوا و خاک می دانست و برآن بود که کیهان از عنصری شفاف همانند کوارتز است. او دلیل کسوف را سد شدن نور خورشید میدانست.

پرسش:

پیامبر اسلام در صحرای عربستان و در عصر جاهلیت، چگونه از دانش یونان و دیگر مراکز علمی جهان خبر داشت؟

پاسخ:

هزار سال قبل از ظهور اسلام، دانش یونانی در دنیای عرب شناخته شده و همچنین فرهنگ یونانی و رومی حتی در میان مردم عادی نفوذ و گسترش داشت. امپراتوری روم، بخشهای بزرگی از خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر می گرفت و این فراگیری در فرهنگ یهودیان تأثیری عمیق گذاشت و بعدها نیز در گسترش مسیحیت نقش بزرگی ایفا کرد. اسلام نیز که برخاسته از این دو دین الهی و بقول خود ادامه آنهاست از این فرهنگ و دانش هرگز بی بهره نبوده است.

موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان، دستیابی نسبتاً آسان ساکنان آن به دریاها و قرار گرفتن آن بین تمدنهای بین النهرین و مصر و در مرحله بعد بین ایران و روم، به آن از دیرباز موقعیت تجاری و ارتباطات گسترده ای را می بخشید. به دلیل همین ارتباطات، تمدنهایی بویژه در جنوب شبه جزیره از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد شکل گرفتند. در همان زمان، دو قدرت بزرگ ایران و روم، قبایل عرب هم مرز با خود را وارد مناسبات و منازعات سیاسی می کردند و هر دو امپراتوری، بویژه بعد از سال ۴۰۰ میلادی، به این قبایل، باج و مواجب پرداخت می کردند تا از مرزهای جنوبی آنان محافظت کنند.

در سال ۵۰۰ میلادی، در میان اعراب شبه جزیره عربستان، نه تنها بت پرستی و دیگر مکتب های عبادتی بلکه، همانطور که در قرآن آمده است، مسیحیت و یهودیت بویژه در شمال حجاز و در میان اعراب بدوی رواج گسترده ای داشت. در قرن ششم میلادی، درست قبل از تولد محمد، شهر نجران در جنوب مکه دارای کلیسای کالی با حضور اسقف، کشیش و تعداد زیادی روحانی و راهبه بوده است. شهر نجران، توسط پادشاهی یهودی اداره می شد، و یهودیان نه تنها در جنوب، بلکه در مدینه و در سراسر شبه جزیره بصورت قبایل پراکنده زندگی می کردند.

بدین ترتیب می بینیم که اعراب از قبل و در بدو تاسیس اسلام از دانش ها و ایده های یونانی، ایرانی و رومی زمان خویش، بخوبی آگاه بوده اند. مسیحیان و یهودیان در سراسر دنیای عرب فعال داشتند. در ضمن، اعراب سالها قبل از ظهور اسلام از زبان یونانی برای کارهای اداری استفاده می کردند، چنانچه بنا به گفته برخی از مورخین، حتی مسلمانان نیز تا قرن هشتم کارهای اداری و دولتی خود را به زبان یونانی می نگاشتند.

پرسش:

آیا امی بودن پیامبر اسلام نشان از بیسواد بودن او ندارد؟

پاسخ:

کلمه «امی» به معنای بیسواد نیست. به آیات سوره بقره توجه کنید:

و مهمن امیون لا یعلمون الکتاب الا اماتی و ان هم الا یظنون (۷۸)
فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمنا قليلا فویل لهم مما کتبت ایدیهم و ویل لهم مما یکسبون (۷۹)

و پاره ای از آنان امیونی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند؛ و تنها به پندارهایشان دل بسته اند. (۷۸)

پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: «این از طرف خداست.»؛ س ذلله تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند! (۷۹)

همانطور که در آیات بالا می بینید، کلمه «امیون» اشاره به کسانی دارد که «نوشته ای با دست خود می نویسند». بنابراین، کلمه «امی» به معنی «بیسواد» نیست. چون بیسواد قادر به نوشتن چیزی نیست. در آیات دیگری از جمله، آیه ۲۰ سوره آل عمران نیز (به شرح بالا) کلمات «اهل کتاب» و «امیون» بطور مترادف و در کنار یکدیگر بکار برده شده اند. منظور از اهل کتاب همان یهودیان و مسیحیان است، و منظور از کلمه «امیون» در آیه مزبور نیز همان «فرد یا افراد غیر کلیمی» است.

لامذهب

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kavivani.com/parsi](http://derafsh-kavivani.com/parsi)